

Identifying The Content and Structure of Human Values in Iranian Students

Mohammad Taghi Delkhamoush

Islamic Azad University
Tehran, South Branch

محمدتقی دلخמוש

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Abstract

Values, psychological structures that are internalized as a result of cultural, social, and personal experiences, have their own specific consequences. This research attempted to discover the structural and semantic relations of values among Iranian university students. 600 randomly selected university students, including 300 males and 300 females, from four schools of Islamic Azad University South Branch, completed the Schwartz Value Survey (SVS). The Smallest Space Analysis (SSA) technique was applied to analyse the data about the structures and constellations of contents of values. Findings show that there is no sex differences in structural and semantic aspects of values, and the contents and structures of human values of Iranian youth widely overlap with the universal theoretical model of values, proposed by Schwartz (1992). However, Iranian students' type of achievement values deviates from that of prototypical structure. The deviation can be explained in terms of such cultural characteristics of Iranians as adjustments of young adult to the political system, the ideological socialization in recent decades, and the influence of a two-hundred years period dispute between two conflicting forces, political reformism and traditionalism. The controversial findings of present research require further studies that apply other criteria to test the accuracy of the present explanations.

Key words : values, Schwartz value theory, university students, Schwartz Value Survey (SVS), smallest space analysis (SSA).

چکیده

ارزشها، ساختارهایی روانشناختی هستند که در نتیجه تجربه‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی، درونی می‌شوند و پیامدهای خاص خود را دارند. پژوهش حاضر در پی کشف روابط معنایی و ساختاری ارزشها در جوانان دانشجوی بوده است. بدین منظور ۶۰۰ دانشجو (۳۰۰ مرد و ۳۰۰ زن) از چهار دانشکده دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و با «زمینه‌یاب ارزشی شوارتز» (SVS)، محتوا و ساختار ارزشی آنها مورد ارزشیابی قرار گرفت. روی آورد آماری پژوهش، برای تحلیل ساختاری و منظومه‌های محتوایی ارزشها، فن تحلیل کوچکترین فضا (SSA) بود. یافته‌های پژوهش نشان دادند که محتوا و ساختار ارزشهای انسانی جوانان ایرانی، در سطح وسیعی با الگوی نظری جهان‌شمول ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۲) مطابقت دارد و معنابخشی و ساخت‌دهی به ارزشها در مردان و زنان دانشجوی مشابه است. انحراف از الگوی مورد انتظار نیز در مواردی مشاهده شده است. عدم مطابقت ریخت ارزشی پیشرفت با ساختار ریخت اصلی، خصیصه‌های ویژه (شاخص فرهنگ) دانشجویان ایرانی را منعکس می‌کند. انحرافهای مشاهده شده بر مبنای همسازی با نظام سیاسی و اجتماعی شدن ایدئولوژیکی در دهه‌های اخیر و تأثیر پس‌زمینه دویست ساله از جدال اندیشه‌های دو نیروی متعارض اصلاح‌طلبی و سنت‌خواهی تبیین‌پذیر است. پژوهش حاضر، یافته‌های بحث‌انگیزی را در پی داشت که شایسته پژوهشهای تکمیلی است تا بتوان صحت تبیینهای ارائه شده را با معیارهایی دیگر محک زد.

واژه‌های کلیدی : ارزشها، نظریه ارزشی شوارتز، دانشجویان، زمینه‌یاب ارزشی شوارتز، تحلیل کوچکترین فضا.

Address for Correspondence : Department of Industrial Psychology, Islamic Azad University, South Branch. tel and fax (+021)88830666. e-mail: delkhamoush @ azad.ac.ir

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب اجرا شده است.

مقدمه

در خلال دو دهه گذشته، مفهوم «ارزش» روانشناسان اجتماعی را که در پی تبیین گرایشهای انسان به سازمان دادن زندگی خویش بوده‌اند، به خود جلب کرده است. پژوهشگران در جستجوی ملاک‌هایی که بتوانند جنبه‌های منحصر به فرد فرهنگها را ترسیم کنند، بیش از پیش به شناسایی محتوا و ساختار ارزشها روی آورده‌اند (برای نمونه راکیچ، ۱۹۷۳؛ باند، ۱۹۸۷، اینگلههارت، ۱۹۹۰، تریاندیس، ۱۹۹۰، هافستد، ۱۹۹۱، راس و گراد، ۱۹۹۱، دیتن بورن، ۱۹۹۲، بونکه و هورستمن، ۱۹۹۲، جندر، دوپون، ۱۹۹۲، شوارتز، ۱۹۹۲، کواچف، ۱۹۹۲، پیسیگا، ۱۹۹۲، پکلای، ۱۹۹۲، ورما، ۱۹۹۲، وینسونو، ۱۹۹۲، و پیچلر، ۱۹۹۲ نقل از شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز، ۱۹۹۲؛ شوارتز و راس، ۱۹۹۵؛ بونکه، استورمبرگ، رگمی، ریچموند و چندری، ۱۹۹۸؛ شوارتز و باردی، ۱۹۹۷؛ ۲۰۰۱؛ اسمیت، پترسن و شوارتز، ۲۰۰۲). شناسایی شاخصهای فرهنگ در محتوا و ساختار ارزشها، افزون بر ترسیم مرزهای ارزشی هر فرهنگ و قلمروهای مشترک ارزشی بین فرهنگها، واجد این مزیت است که با برجسته ساختن درهم تنیدگیهای توافقی و تعارضی ارزشها در درون یک فرهنگ، تحلیل‌هایی در باب سطح خواسته، سازش‌یافتگی و تعارض گروهها را در کل جامعه میسر می‌سازد.

مؤلفان متعدد فرایند «بنا شدن ارزشها» را به منزله فرایندی دانسته‌اند که در خلال فراخوانی زندگی تکامل می‌یابد (مانند راکیچ، ۱۹۷۳، فیدر، ۱۹۸۰، کیتز، ۱۹۸۶ نقل از منه‌زیس و کمپو، ۱۹۹۷). از دیدگاه تحولی، جوانی دوره «انسانی‌تر شدن ارزشها» است. در خلال این سالها جوانان می‌توانند به گونه‌ای فزاینده به معانی انسانی ارزشها - در تضاد با معانی مطلق آنها - پی برند. جوان برای اثبات و ترویج نظام ارزشی‌ای که به نظر او بهترین است، تجربه‌ها و انگیزه‌های خاص خویش را به کار

می‌بندد و نظام ارزشی او به شیوه‌ای رو به تزاید شخصی می‌شود (تیلکر، ۱۹۷۵).

کنیستون^{۱۸} (۱۹۷۰ نقل از اشتین‌برگ، ۱۹۹۹) که اندیشه «دوره جوانی» را برجسته کرد، «جوانی» را به منزله دوره جداگانه‌ای در چرخه زندگی در نظر گرفت که از زاویه روانشناختی و همچنین زمان‌شناختی از نوجوانی و بزرگسالی متمایز است. اریکسن (۱۹۶۳) جوانی را به منزله سالهای تحول احساس و ظرفیت وفاداری تعریف می‌کند؛ احساس و ظرفیتی که زودتر از این زمان تحول نمی‌یابد و بخشی از تجهیزات انسان به شمار می‌روند که از خلال پدیدآیی اجتماعی متحول می‌شوند. وینی‌کات (۱۹۶۵) به زیبایی در آثار خویش توصیف کرده است که فرد چگونه به «محیطی تسهیل‌کننده» نیاز دارد تا بتواند به سوی سلامت هیجانی و شناختی تحول یابد. این مؤلف، تحول را حاصل تعامل بین یگانگی وراثت فرد و محیطی که او را در بر می‌گیرد، دانسته است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، استنتاج روابط معنایی و ساختاری در دوره جوانی در دانشجویان ایرانی است. چگونگی حضور معانی و ساختارهای ارزشی و مشابهتها یا انحرافهای آنها با یافته‌های دیگر فرهنگها، تفسیرهایی را در جهت بازنمایی ویژگیهای خاص جوانان ایرانی فراهم می‌کنند.

نظر به اینکه روی‌آورد نظری و روش‌شناختی این پژوهش مبتنی بر موضع‌گیریهای شوارتز در باب «محتوا و ساختار نظامهای ارزشی» (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷ الف، ۱۹۹۰؛ شوارتز، ۱۹۹۲) است، در ادامه، رئوس نظریه شوارتز به اجمال بیان می‌شود.

شوارتز ارزشهای انسانی را به منزله تجسمهای شناختی از هدفهای خواستنی و انتزاعی، فراموقعیتی و بافتار نابسته - که اهمیت آنها به منزله اصول راهنما در زندگی افراد و گروهها متفاوتند و افراد آنها را به گونه سلسله‌مراتبی رتبه‌بندی می‌کنند - تعریف می‌کند

1. Bond, M. H.
2. Inglehart, R.
3. Triandis, H. C.
4. Hofstede, G.
5. Grad, H. M.
6. Dettenborn, H.

7. Horstmann, K.
8. Gendre, F.
9. Dupont, J. B.
10. Kovacev, N.
11. Piciga, D.
12. Peklaj, D.

13. Verma, J.
14. Vinsonneau, G.
15. Paicheler, H.
16. Feather, N. T.
17. Keats, D. M.
18. Keniston, K.

مقتضیات تعامل اجتماعی هماهنگ بین شخصی و مقتضیات کنش‌وری مداوم گروه‌ها و بقای آنها) استخراج شده‌اند. مؤلفه ساختاری نظریه ارزش، روابط پویایی متقابل تعارضی و توافقی میان سازه‌ها یا ریخته‌های ارزشهاست که ساختار دَوْرانی منسجم نظام‌های ارزشی را تشکیل می‌دهد؛ بعلاوه، تعارضها و تجانسهای بین ارزشها در این ساختار توجید یافته، چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر را که در امتداد دو بعد عمود بر هم آرایش می‌یابند، به وجود می‌آورند. تحلیل‌هایی که در بیشتر از ۲۰۰ نمونه متعلق به بیشتر از ۶۰ کشور در سراسر جهان به انجام رسیده‌اند، جهان‌شمول بودن تقریبی ریخته‌های ارزشی انگیزشی و ساختار دَوْرانی روابط میان آنها را تأیید کرده‌اند (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷ الف و ۱۹۸۷ ب، ۱۹۹۰؛ شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز و باردی، ۲۰۰۱؛ شوارتز، ملچ، لمان، برگس، هریس و اونز، ۲۰۰۱).

(شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ شوارتز و هیوزمان، ۱۹۹۵؛ راس، شوارتز و سرکیس، ۱۹۹۹؛ شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰؛ ساگیو و شوارتز، ۲۰۰۰؛ روکاس، ساگیو، شوارتز و نافو، ۲۰۰۲).

شوارتز (۱۹۹۲) پس از اعمال برخی از تغییرات در مفهوم‌پردازی ارزشها از دیدگاه راکیچ (۱۹۷۳) و ابداع روش‌شناسی خویش در اندازه‌گیری ارزشها، «نظریه ارزشهای انسانی بنیادی» را تدوین کرد. این نظریه واجد دو مؤلفه هسته‌ای است که به دنبال تعریف مفهومی ارزش ارائه می‌شوند. مؤلفه محتوایی این نظریه، مجموعه‌ای جامع از ده سازه ارزشی انگیزشی متمایز است (مانند قدرت، پیشرفت) که فرض بر این است که اعضای اغلب جوامع و فرهنگها آنها را بازشناسی می‌کنند. این سازه‌ها یا ریخته‌های ارزشها از تحلیل مقتضیات جهان‌شمولی که همه افراد و گروهها باید با آنها رویارویی کنند (یعنی نیازهای افراد به منزله ارگانیزمهای زیست‌شناختی،

جدول ۱: ریخته‌های انگیزشی ارزشها (نقل از شوارتز، ۱۹۹۴؛ شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰)

منابع	ارزشهای نمونه	تعریف	ریخت
تعامل، گروه	قدرت اجتماعی، اقتدار، ثروت	مقام و منزلت اجتماعی، مهار افراد و امکانات و تسلط بر آنها	قدرت
تعامل، گروه	موافق، توانا، بلندمرتبه‌جو	موفقیت شخصی از خلال اثبات شایستگی در مطابقت با معیارهای اجتماعی	پیشرفت
ارگانیزم	لذت، زندگی لذتبخش	لذت و ارضای جسمانی خود	لذت‌جویی
ارگانیزم	متهور، زندگی متنوع، زندگی مهیج	تهییج، تازگی و چالش در زندگی	تحریک‌طلبی
ارگانیزم، تعامل	خلاقیت، آزادی، مستقل	فکر و عمل مستقل؛ انتخابگر، خلاق، کاوشگر	خود رهنموددهی
گروه، ارگانیزم	دارای وسعت نظر، خرد، عدالت اجتماعی	تفاهم، قدرشناسی، اغماض و حفاظت از رفاه همه انسانها و حفاظت از طبیعت	جهان‌شمولی‌نگری
ارگانیزم، تعامل، گروه	یاریگر، صادق، بخشنده	حفظ و گسترش رفاه افرادی که با فرد تماس شخصی مداوم دارند	خیرخواهی
گروه	متواضع، پذیرش سهم خود از زندگی، مؤمن	احترام، تعهد و پذیرش آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ سنتی یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند	سنت
تعامل، گروه	فرمانبرداری، ادب، خود انضباطی	خودداری از اعمال، تمایلات و برانگیزشهایی که احتمال دارد دیگران را ناراحت کنند یا آزار دهند و ناقض انتظارات یا هنجارهای اجتماعی باشند	همنوایی
ارگانیزم، تعامل، گروه	امنیت خانوادگی، امنیت ملی، نظم اجتماعی	امنیت، توازن و ثبات جامعه، ارتباطها و خود	ایمنی

را به گونه‌ای توحید یافته با متغیرهای دیگر مرتبط ساخت. روابط پویایی تعارضی و توافقی بین ریخته‌های ارزشی به شکل الگوی دَوْرانی - که فرض می‌شود نظام‌های ارزشی را تشکیل می‌دهند - در شکل ۱ آمده‌اند. فرض منطقی این است که ریخته‌های ارزشی‌ای که هدفهای انگیزشی متوافقی دارند، بیشترین همبستگی مثبت را با یکدیگر دارند؛ این ریخته‌ها دارای استلزامهای رفتاری مشابهی هستند، متقابلاً از یکدیگر حمایت می‌کنند و در ساختار دَوْرانی به صورت ریخته‌های همجوار ظاهر می‌شوند. ریخته‌هایی که مبین هدفهای انگیزشی متعارضی هستند، کمترین همبستگی مثبت را با یکدیگر دارند یا حتی همبستگی منفی دارند. این ریخته‌ها واجد استلزامهای رفتاری متعارضی هستند و در ساختار دَوْرانی در جهت‌های مخالف یکدیگر قرار دارند. به این ترتیب، فاصله رو به تزیاید در ترتیب دَوْرانی، نشان‌دهنده توافقی رو به کاهش و تعارض رو به افزایش است. ملاحظه می‌شود که اگرچه «نظریه ارزش» ده ریخته ارزشی را متمایز می‌کند، اما در ترازوی بنیادی‌تر فرض می‌شود که ارزشها پیوستاری از انگیزشهای مرتبط را تشکیل می‌دهند که ساختار دَوْرانی معرف این پیوستار است.

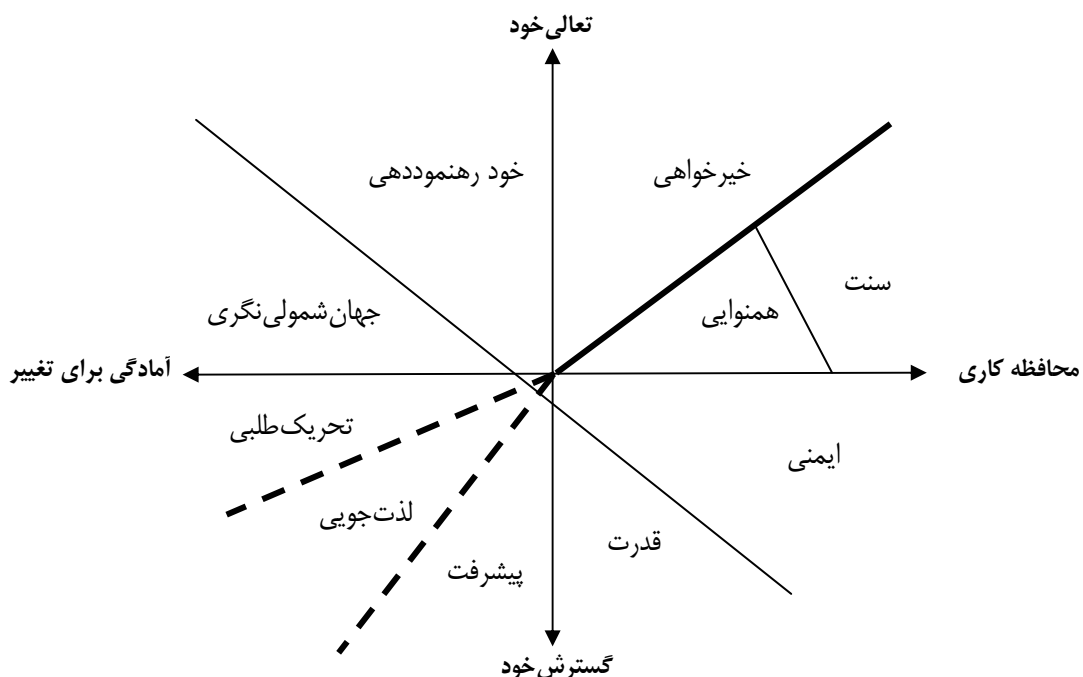
در جدول ۱، ده ریخته ارزشی برحسب هدف انگیزشی اصلی آنها در ستون اول تعریف شده‌اند، نمونه‌هایی از ارزشهای مشخصی که عمدتاً معرف هر ریخته هستند، در ستون دوم ارائه شده‌اند. در ستون سوم، مقتضیات جهان‌شمول موجود انسانی که منبع استخراج هر ریخته ارزشی هستند، فهرست شده‌اند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، هر ریخته انگیزشی ارزشی ممکن است از بیشتر از یک ریخته از مقتضیات جهان‌شمول استخراج شود (شوارتز، ۱۹۹۲؛ باردی و شوارتز، ۱۹۹۶؛ شوارتز، و رکازالو، آنتوفسکی و ساگیو، ۱۹۹۷).

ده ریخته انگیزشی ارزشها، ارزشهای بنیادی (شوارتز و باردی، ۱۹۹۷) یا ارزشها (بونکه و شوارتز، ۱۹۹۷) نیز نامیده شده‌اند.

بعلاوه، تحلیل‌های درون هر فرهنگ ثابت کرده‌اند که ۴۵ ارزش منفرد از مجموع ۵۷ ماده ارزشی در همه فرهنگها واجد معانی هم‌ارزی هستند و زیر مجموعه‌ای متجانس و واجد اعتمادپذیری درونی را تشکیل می‌دهند که برای مشخص کردن ده ریخته ارزشی عمل می‌کنند.

نوآوری دیگر نظریه ارزش شوارتز (۱۹۹۲) در کنار استخراج مجموعه جامع ریخته‌های ارزشی، مشخص کردن روابط پویایی بین ریخته‌هاست که امکان می‌دهد ارزشها



شکل ۱: الگوی نظری شوارتز. الگوی روابط میان ریخته‌های انگیزشی ارزشها، ریخته‌های ارزشی مرتبه بالاتر و ابعاد ارزشی دو قطبی (نقل از شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰)

بتوان به روشنی مورد یا موارد انحراف را پیش‌بینی کرد؛ و به تبع آن، حدود و ثغور تغییرات محتمل در معنادگی و ساخت بخشی به ارزشها را ترسیم کرد، انتظار می‌رود در سطح گسترده‌ای، محتوا و ساختار ارزشهای انسانی جوانان دانشجو، مطابق الگوی نظری باشد.

تحلیل روابط جنس و ارزشها در چهارچوب نظریه محتوا و ساختار ارزشها (شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴) از خلال مطالعات در نمونه‌های ملی (پرنس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ استراچ، شوارتز، و فان در کلووت، ۲۰۰۲)، حاکی از آن است که معانی و ساختار ارزشها برای دو جنس مشابه است: مردان و زنان در همه فرهنگهای مورد مطالعه معانی کاملاً مشابهی را به ارزشها نسبت می‌دهند، سازمان یافتگی انگیزشی ریخته‌های ارزشی برای هر دو جنس همسان است و ارزشهای مردان و زنان روی دو بعد ارزشی بنیادی به گونه‌ای مشابه آرایش یافته‌اند.

مؤلفان در تبیین این یافته‌ها اظهار می‌کنند که زنان و مردان عموماً در اجتماع زبان‌شناختی یکسانی اجتماعی می‌شوند و مفاهیم ارزشی‌ای که برای هدفهای خویش انتخاب می‌کنند، دارای معانی مشابهی می‌باشند (پرنس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸).

نتایج مطالعه‌ای مشابه در جمعیت بزرگسال ایرانی (دلخموش و احمدی، ۱۳۸۱) در سطح وسیعی با الگوی نظری ارزشهای شوارتز و یافته‌های تجربی او و همکارانش در زمینه روابط جنس و ارزشها مطابقت دارد. هر چند برخی از تفاوتها نیز مشاهده شده‌اند. بنابراین، انتظار می‌رود که در سطح گسترده‌ای محتوا و ساختار ارزشهای انسانی جوانان دانشجو در دو جنس مشابه باشند.

روش

گروههای نمونه شامل ۶۰۰ دانشجو (۳۰۰ مرد و ۳۰۰ زن) بودند که از دانشجویانی که در سال تحصیلی ۸۲ - ۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب، مشغول به تحصیل بوده‌اند به نسبت مساوی از چهار

تضادهای ریخته‌های ارزشی رقیب، در عین حال ساختاری دو بعدی را به وجود می‌آورند (شکل ۱). این ابعاد دو بعدی عمود بر هم، مرکب از ریخته‌های ارزشی مرتبه بالاتری هستند که ریخته‌های معیار را ترکیب می‌کنند. نخستین بعد، آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری، ارزشهایی را که بر فکر و عمل مستقل خویش و طرفداری از تغییر تأکید می‌کنند (ریخته‌های «خود رهنموددهی» و «تحریک - طلبی»)، در تضاد با ارزشهایی قرار می‌دهد که بر خود محدودکنندگی تبعیت‌جویانه، حراست از رسوم سنتی، و حفظ ثبات تأکید می‌کنند («ایمنی»، «همنوایی»، و «سنت»). بعد دوم، گسترش خود در برابر تعالی خود، ارزشهایی را که بر پذیرش دیگران به منزله افراد برابر با خود و علاقه‌مندی به رفاه آنها تأکید دارند («جهان‌شمولی‌نگری» و «خیرخواهی»)، در تضاد با ارزشهایی قرار می‌دهد که بر پی‌گیری موفقیت شخصی خویش و سلطه بر دیگران تأکید می‌ورزند («قدرت» و «پیشرفت»). «ریخت‌ لذت‌جویی» نیز شامل عناصری از آمادگی برای تغییر و گسترش خود است (شوارتز، ۱۹۹۴؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵).

براساس استنباطهای به عمل آمده از چهارچوب مفهومی و با واری یافته‌های پیشینه پژوهشی در گستره مسائل مورد بررسی، احتمال رؤیت پاره‌ای از جلوه‌های تجربی از روابط بین متغیرها برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شد. در مطالعه ارزشها با «فهرست ارزشی شوارتز»^۱ (SVI، شوارتز، ۱۹۹۲) در نمونه‌ای از بزرگسالان ایرانی، الگوی نظری معنا و ساختار ارزشها در حد وسیعی (به استثنای حرکت ریخت «پیشرفت» در ساختار دورانی و خارج شدن آن از بعد گسترش خود) به اثبات رسیده است (دلخموش و احمدی، ۱۳۸۱). به گونه‌ای مشابه، در بررسی ارزشهای نوجوانان ایرانی (دلخموش و احمدی، ۱۳۸۳)، الگوی نظری پژوهش با تمایزی محدود (جابه‌جایی در محل استقرار ارزشهای خیرخواهانه) مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین، به رغم برخی از انحرافها از الگوی نظری محتوا و ساختار ارزشها در جامعه مورد پژوهش، که تفاوت‌های بین فرهنگی را برجسته می‌سازند، بی‌آنکه

دانشکده فنی، علوم انسانی، تربیت معلم، و مدیریت در هشت زیر گروه ۷۵ نفری به روش «نمونه‌گیری تصادفی ساده» انتخاب شدند.

ویژگیهای جمعیت‌شناختی گروه نمونه: دامنه سنی دانشجویان، ۱۸ تا ۲۷ سال (میانگین سنی برای دانشجویان مرد ۲۳ سال و برای دانشجویان زن ۲۲ سال)؛ درصد مجرد، در مردان دانشجویان بیش از ۹۰٪ و در زنان دانشجویان ۸۱٪؛ توزیع سال ورود به دانشگاه، سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ (حدود ۶۰٪ ورودی سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)؛ دامنه رشته تحصیلی، ۲۰ رشته.

ارزشیابی محتوا و ساختار ارزشهای انسانی با به کار بستن «زمینه‌یاب ارزشی شوارتز»^۱ (SVS) به انجام رسید. شوارتز بر مبنای «نظریه ارزش» خویش (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷ الف، ۱۹۹۰؛ شوارتز، ۱۹۹۲)، ابزار اندازه‌گیری ارزشها را به نام «فهرست ارزشی شوارتز» (SVI، شوارتز، ۱۹۹۲) که بعدها «زمینه‌یاب ارزشی شوارتز» (SVS، شوارتز و راس، ۱۹۹۵) نامیده شد، تدوین کرده است.

نسخه اصلی SVS در شکل کنونی آن شامل ۵۷* ماده ارزشی منفرد (مثلاً، خرد، زندگی مهیج، امنیت خانوادگی) است که به گونه پیشینی برای مجسم کردن ده سازه ارزشی متمایز انگیزشی (و سازه احتمالی معنویت) انتخاب شده‌اند. در فهرست ارزشها در SVS، به دنبال هریک از ارزشهای منفرد، عبارتی تبیینی در پرانتز ملحوظ شده است تا معنای آن تصریح و یا تدقیق شود [مثلاً، نظم/اجتماعی (ثبات جامعه)]. ارزشهای زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در سطح دو مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند: (۱) **فهرست ارزشهای غایی** (ارزشهای ۱ تا ۳۰) یا هدفهای غایی (غایت وجود) است که به شکل اسم ارائه می‌شوند، مانند: فرمانبرداری. (۲) **فهرست ارزشهای ابزاری** (ارزشهای ۳۱ تا ۵۷) یا هدفهای ابزاری (شکلهای رفتار) را در بر می‌گیرد که به شکل صفت ارائه می‌شوند، مانند: فرمانبردار.

بر اساس نظریه تجدید نظر شده شوارتز (۱۹۹۲)، این

۵۷ ارزش در ده ریخت انگیزشی مفروض که ترجیحات ارزشی را شکل می‌دهند، طبقه‌بندی می‌شوند. برای هر ریخت انگیزشی، هم ارزشهای غایی و هم ارزشهای ابزاری منفردی که معرف آن ریخت هستند، انتخاب شده‌اند. نظریه شوارتز در شکل کنونی خود ده ریخت ارزشی را شناسایی کرده است که از حیث انگیزشی متمایز هستند و در فرهنگهای مختلف بازشناسی شده‌اند و ترجیحات ارزشی را شکل می‌دهند؛ در جدول ۱ ریختهای انگیزشی و معانی آنها برحسب هدفها و ارزشهای منفردی که معرف آنها هستند، نشان داده شده‌اند.

زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS) در دو صفحه (دو فهرست ارزشها) تهیه شده و به چاپ رسیده است. محدودیت زمانی برای پاسخ به آن وجود ندارد و می‌تواند به صورت فردی و گروهی اجرا شود. در این پرسشنامه تکلیف آزمودنی این است که درجه اهمیت را که هر ارزش «به منزله یک اصل راهنما در زندگی من دارد»، در مقیاس ۹ درجه‌ای (۱-، ۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷) درجه‌بندی کند: (۱-) مخالف ارزشهای من، (۰) بی‌اهمیت و (۷) عالیترین درجه اهمیت.

به منظور آزمون جهان‌شمول بودن ریختهای ارزشی و روابط پویایی میان آنها، اعتبار «نظریه ارزش» و زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS) در دامنه وسیعی از فرهنگها، در نمونه‌هایی که از حیث عوامل فرهنگی و منطقه جغرافیایی واجد حداکثر گوناگونی هستند، به تأیید رسیده است (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷ الف و ۱۹۸۷ ب، ۱۹۹۰؛ شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ بورگس، شوارتز و بلکول، ۱۹۹۴؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ باردی و شوارتز، ۱۹۹۶؛ شوارتز و باردی، ۲۰۰۰، ۲۰۰۱).

یافته‌های پژوهشی در نمونه‌های ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳) اعتبار الگوی نظری معنا و ساختار ارزشها را در حد وسیعی مورد تأیید قرار داده است. در خصوص قابلیت اعتماد SVS، به بیان اشمیت، شوارتز، اشتیر و اشمیت (۱۹۹۳) با ترکیب ارزشهای منفردی که هدف هر ریخت ارزشی را بیان می‌کنند، می‌توان

دادن ناحیه‌ها پدیدار می‌شوند و نیز آرایش این نواحی در فضا نسبت به یکدیگر را تفسیر می‌کنند. محورهای MDS واجد معنای قابل توجهی پنداشته نمی‌شوند، چرا که قراردادی هستند. منظومه محتوایی به منزله فضایی هندسی دریافت می‌شود که در آن ارزشهای منفرد فقط نمونه‌ای از تمامی ارزشهای قابل شناسایی هستند که کل فضا را با نقطه‌هایی که در هر کجا هستند، در بر دارند. این سخن بدین معناست که پاره‌ای از ارزشها که در کناره یک ناحیه قرار دارند، ممکن است با ارزشهای دیگری که در همان ناحیه هستند، همبستگی کمتری داشته باشند تا با ارزشهای معینی که در کناره نواحی مجاور هستند. خطوط جدا کننده نواحی نیز ممکن است راست یا خمیده باشند، بدین شرط که نواحی‌ای را به وجود آورند که دارای مرزهای پیوسته‌ای باشند که مرزهای نواحی دیگر را قطع نکنند (لینگوز^۱، ۱۹۷۷، ۱۹۸۱ نقل از شوارتز، ۱۹۹۲).

یافته‌ها

محتوا و ساختار ریخته‌های ارزشی در نمونه دانشجویی، از طریق مقایسه آنها با محتوا و ساختار الگوی نظری شوارتز (۱۹۹۲)، سنجیده می‌شود. شکل ۱ می‌تواند به منزله یک ریخت اصلی برای این مقایسه‌ها عمل کند. این شکل نقشه‌ای از SSA را ارائه می‌کند که براساس میانگین نتایج در ۳۶ نمونه از ۲۰ کشور به دست آمده است.

برای سنجیدن یافته‌ها در نمونه دانشجویی، یک SSA در باب همبستگیهای بین ۵۸ ارزش (۵۷ ارزش اصلی، و یک ارزش افزوده) زمینه‌یاب، به اجرا در آمد. این SSA تجسم فضایی دو بعدی از روابط بین ارزشها را فراهم کرد (شکل ۲).

ترسیم خطوط جداکننده و تخصیص ارزشهای منفرد به ریخته‌های ارزشی بر مبنای ملاکهای تصمیم‌گیری در باب نقطه‌های ارزشی که ناحیه‌های تحدیدشده‌ای را

مستلاً شاخصهای قابلیت اعتماد را در باب ارجحیتی که به هر ریخت ارزشی نسبت داده می‌شود، استخراج کرد. در مطالعه اشمیت و همکاران (۱۹۹۳) قابلیت اعتماد SVS، از خلال به کار بستن روش باز آزمون تأیید شد.

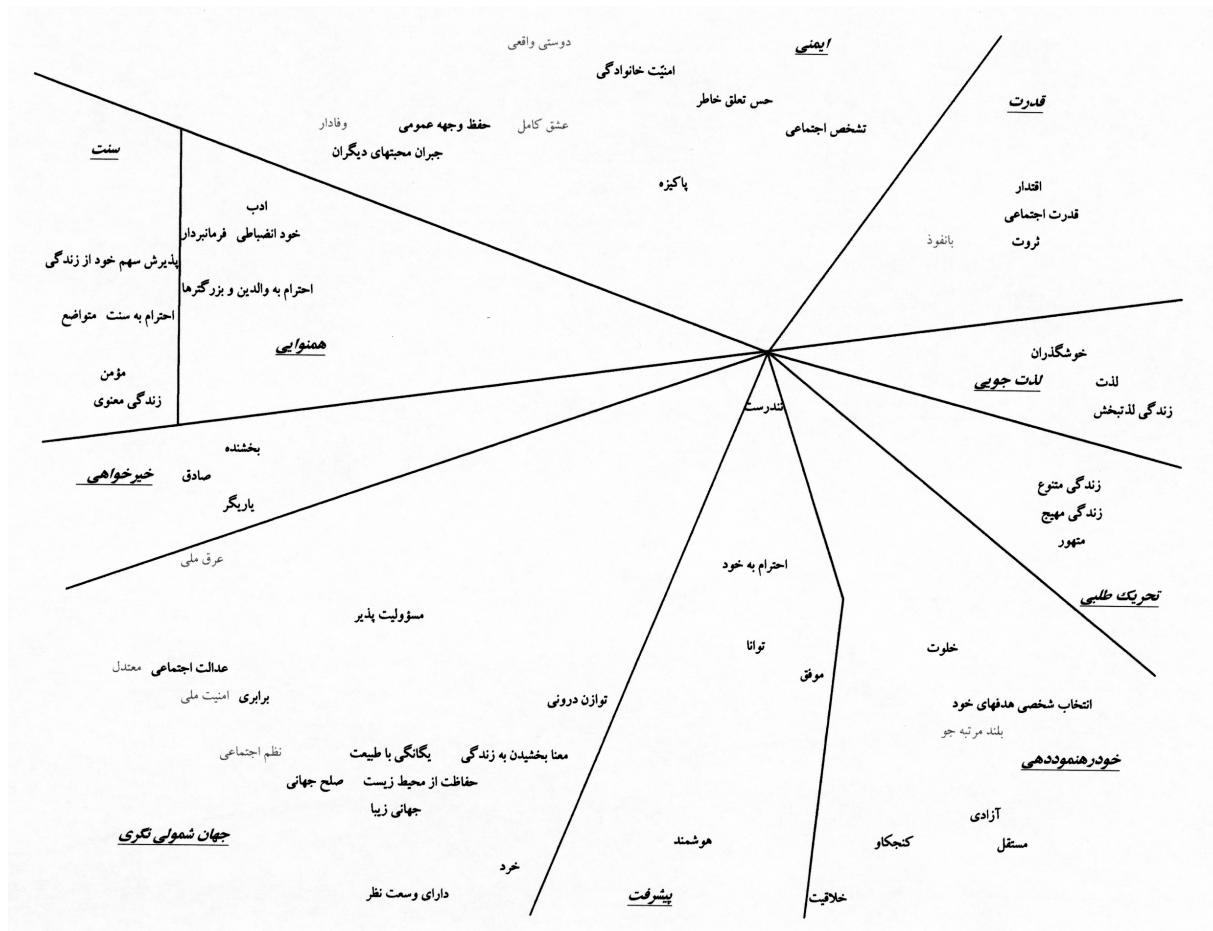
به گونه‌ای مشابه، قابلیت اعتماد SVS در یک نمونه ایرانی (مشمول بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر) از طریق روش باز آزمون به فاصله دو هفته مورد تأیید قرار گرفت (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱). ضرایب به دست آمده حاکی از قابلیت اعتماد شایان توجه ریخته‌های ارزشی است (ایمنی ۰/۷۸۳، قدرت ۰/۸۶۵، پیشرفت ۰/۸۲۶، لذت‌جویی ۰/۸۶۱، تحریک‌طلبی ۰/۸۱۱، خود رهنموددهی ۰/۷۸۳، جهان‌شمولی‌نگری ۰/۸۱۳، خیرخواهی ۰/۷۸۵، سنت ۰/۸۰۳، همنوایی ۰/۷۶۷).

برای تحلیل ساختاری و منظومه‌های محتوایی ارزشها، فن تحلیل کوچکترین فضا^۱ (SSA) به کار گرفته شد که از جمله فنون مقیاس‌سازی چند بعدی^۲ (MDS) نامتريک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است (دیویسن^۳، ۱۹۸۳؛ دیلون^۴ و گلدشتاین^۵، ۱۹۸۴). در هر نمونه، ماتریس همبستگی بین چند متغیر، ضرایب همبستگی پیروان میان رتبه‌بندیها یا درجه‌بندیها در خصوص اهمیت ارزشها با روش تحلیل کوچکترین فضا (SSA) «گاتمن - لینگوز»^۶ (گاتمن^۷، ۱۹۶۸، کانتز^۸، ۱۹۸۵) مورد تحلیل قرار می‌گیرند. این روش، ارزشها را به منزله نقطه‌هایی در فضایی چند بعدی مجسم می‌کند، به گونه‌ای که فاصله‌های بین این نقطه‌ها، نمایانگر روابط عملی بین ارزشها است. هر چه مشابهت مفهومی بین دو ارزش بیشتر باشد، رابطه آنها با یکدیگر بیشتر است و بنابراین باید جای آنها در یک فضای چند بعدی به یکدیگر نزدیکتر باشد. شوارتز و همکارانش SSA را با استفاده از روی آورد «وارسی شکل‌بندی»^۹ (دیویسن، ۱۹۸۳) تفسیر می‌کنند. بدین معنا که شکل‌بندی نقطه‌هایی را که به گونه قابل توجهی با یکدیگر مرتبط هستند و برای شکل

1. smallest space analysis (SSA)
2. multidimensional scalling
3. Davison, M.
4. Dillon, W. R

5. Goldstein, M.
6. Guttman - Lingoes
7. Guttman, L.
8. Canter, D.

9. configurational verification
10. Lingoes, J. C.



شکل ۲: تحلیل کوچکترین فضا از ارزشهای دانشجویان ایرانی

تعالی خود و محافظه کاری در برابر آمادگی برای تغییر را - همچنان که در سازمان یافتگی نظری پیش بینی شده است - بازنمایی می کنند؛ مشروط بر این که ریخت ارزشی پیشرفت با سه حرکت به ناحیه آرمانی نقل مکان کند. بدین ترتیب در تطبیق ساختار ارزشهای انسانی دانشجویان با ساختار نظری، تنها تفاوت مشاهده شده، جابه جایی ناحیه ای است که ریخت پیشرفت در آن ظاهر شده است.

برای مشخص کردن معنای جابه جایی ریخت پیشرفت، روابط ریخت پیشرفت با سایر ریختها بررسی شد. در جدول ۲ نتایج همبستگی ریخت پیشرفت با ریختهای ارزشی دیگر ارائه شده است.

همانطور که می توان در جدول ۲ ملاحظه کرد، ریخت پیشرفت با چهار ریخت ارزشی همبستگی معنادار دارد: خود رهنموددهی ($r=0/339$ و $\alpha=0/000$)، سنت ($r=-0/177$ ، $\alpha=0/000$)، قدرت ($r=0/170$ ، $\alpha=0/000$)، و جهان شمولی نگری ($r=0/170$ ، $\alpha=0/000$)

تشکیل می دهند (شوارتز، ۱۹۹۲)، انجام شد. ساختار ارزشی به دست آمده در SSA برای ۶۰۰ دانشجوی ایرانی، شناسایی هر ده ریخت ارزشی را امکان پذیر کرد که در سطح وسیعی با الگوی نظری مطابقت دارد. نواحی تشکیل دهنده هر ریخت به وضوح متمایزند و آمیختگی مشاهده نمی شود.

ترتیب بندی ریختها به استثنای یک مورد، که مربوط به ریخت ارزشی پیشرفت است، با الگوی نظری همسان است. «ریخت پیشرفت» از محل مورد انتظار در الگوی نظری (مابین دو ریخت «قدرت» و «لذت جویی» به ناحیه ای مابین ریختهای «خود رهنموددهی» و «جهان شمولی نگری» نقل مکان کرده است (شکل ۲). برای مطابقت کامل با ترتیب بندی ساختار آرمانی، سه حرکت (در جهت عکس حرکت عقربه های ساعت) لازم است تا ریخت پیشرفت در ناحیه آرمانی قرار گیرد.

سازمان یافتگی ریختهای ارزشی، روابط تعارضی و توافقی و ابعاد مرتبه بالاتر گسترش خود در برابر

جدول ۲: نتایج همبستگی ریخت ارزشی پیشرفت با سایر ریخته‌های ارزشی در دانشجویان ایرانی (n = ۶۰۰)

ریخته‌های ارزشی										آماره	ریخت ارزشی
سنت	همنوایی	خیرخواهی	جهان شمولی نگری	خود رهنموددهی	تحریک طلبی	لذت جویی	قدرت	ایمنی			
-۰/۱۷۷	۰/۰۵۶	-۰/۰۷۱	۰/۱۵۵	۰/۳۳۹	۰/۰۷۰	۰/۰۷۵	۰/۱۷۰	۰/۰۷۲	همبستگی	پیشرفت	
۰/۰۰۰	۰/۱۷۲	۰/۰۸۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸۶	۰/۰۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹	معناداری		

مورد مقایسه قرار گرفت. ارزشیابی محلهای مورد مشاهده حاکی از آن است که از ۵۷ ارزش اصلی، ۴۹ ارزش در متداولترین محل خویش پدیدار شده‌اند. ریخته‌های لذت جویی، تحریک طلبی و همنوایی، ارزشهای منفردی را در خود جای داده‌اند که در الگوی نظری مورد انتظار است. ریخته‌های قدرت و خود رهنموددهی، با یک ارزش منفرد افزوده (با نفوذ، در ریخت قدرت؛ بلند مرتبه‌جو، در ریخت خود رهنموددهی) که از ریخت پیشرفت منتقل

بدین ترتیب محل استقرار ریخت پیشرفت، عمدتاً ناشی از همبستگی مثبت با ریخته‌های خود رهنموددهی و جهان شمولی نگری و همبستگی منفی با ریخت سنت است. همبستگی ناچیز با ریخت لذت جویی و فقدان همبستگی منفی معنادار با خیرخواهی را نیز باید در جابه‌جایی ریخت پیشرفت مؤثر دانست. برای سنجش محتوای ارزشها، جایگیری ارزشهای منفرد درون هر ریخت نمونه دانشجویی با الگوی نظری

جدول ۳: نتایج همبستگی ارزشهای منفرد ریخت ارزشی پیشرفت با ریخته‌های ارزشی (n = ۶۰۰)

ریخته‌های ارزشی										آماره	ارزش منفرد
پیشرفت*	سنت	همنوایی	خیرخواهی	جهان شمولی نگری	خود رهنموددهی	تحریک طلبی	لذت جویی	قدرت	ایمنی		
۰/۲۳۷	-۰/۰۴۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۶۸	۰/۱۲۷	۰/۰۷۰	۰/۰۳۳	-۰/۰۰۱	۰/۱۳۲	همبستگی	احترام به خود
۰/۰۰۰	۰/۲۲۹	۰/۷۵۶	۰/۹۴۰	۰/۰۹۶	۰/۰۰۲	۰/۰۸۵	۰/۴۱۴	۰/۹۸۷	۰/۰۰۱	معناداری	
۰/۲۴۳	-۰/۲۲۹	-۰/۱۳۴	-۰/۱۲۹	۰/۰۴۸	۰/۲۸۸	۰/۱۸۲	۰/۱۰۳	۰/۱۷۸	-۰/۰۳۹	همبستگی	بلند مرتبه‌جو
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۳۳۸	معناداری	
۰/۱۹۰	-۰/۰۶۴	۰/۰۰۶	-۰/۱۱۰	۰/۱۱۵	۰/۰۷۹	-۰/۰۶۵	۰/۱۳۴	۰/۰۳۶	۰/۱۹۷	همبستگی	تندرست
۰/۰۰۰	۰/۱۱۹	۰/۷۸۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۵۲	۰/۱۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۸۲	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۱۸۹	-۰/۰۷۴	-۰/۰۷۵	-۰/۰۷۰	-۰/۱۶۵	۰/۱۳۰	۰/۱۴۷	۰/۱۵۰	۰/۴۳۰	۰/۱۶۸	همبستگی	با نفوذ
۰/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۰۶۵	۰/۰۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	معناداری	
۰/۳۵۹	-۰/۰۵۲	-۰/۰۰۸	-۰/۰۵۳	۰/۱۱۳	۰/۱۹۴	-۰/۰۲۶	-۰/۰۰۶	۰/۱۷۳	۰/۱۰۷	همبستگی	توانا
۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۸۴۴	۰/۱۹۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۵۲۶	۰/۸۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	معناداری	
۰/۳۴۶	-۰/۰۵۷	۰/۰۵۳	۰/۰۰۲	۰/۱۷۴	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۰۳۵	-۰/۰۳۳	همبستگی	هوشمند
۰/۰۰۰	۰/۱۶۵	۰/۱۹۴	۰/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۰/۸۱۸	۰/۳۸۹	۰/۴۱۴	معناداری	
۰/۴۳۴	-۰/۱۲۳	-۰/۰۷۳	-۰/۰۲۳	۰/۰۷۲	۰/۱۹۸	-۰/۰۴۳	۰/۰۷۳	۰/۱۱۵	۰/۰۷۱	همبستگی	موفق
۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۷۶	۰/۵۸۱	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۷	۰/۰۷۵	۰/۰۰۵	۰/۰۸۱	معناداری	

* مقادیر همبستگیهای هر ارزش منفرد با ریخت پیشرفت، پس از حذف آن ارزش منفرد از محاسبه ریخت پیشرفت محاسبه شد.

** مقدار همبستگی ارزش بانفوذ با ریخت قدرت، پس از حذف آن ارزش منفرد از محاسبه ریخت قدرت محاسبه شد.

ریخته‌های ایمنی ($r=0/197$) و پیشرفت ($r=0/190$) دارد. اما ارزش با نفوذ به وضوح به ریخت قدرت ($r=0/430$) ملحق می‌شود.

همبستگی‌های به دست آمده بین ارزشهای منفرد ریخت پیشرفت با ریخت خود رهنموددهی (تقریباً در کلیه موارد) و جهان شمولی‌نگری (در پاره‌ای از موارد) و فقدان همبستگی بین ارزشهای منفرد ریخت پیشرفت با ریخت لذت‌جویی (در اکثر موارد) و قدرت (در پاره‌ای از موارد)، ترتیب‌بندی و مفهوم شاخص فرهنگ ایرانی از ارزش پیشرفت را برجسته می‌سازند.

افزون بر برجسته شدن تفاوت محتوای ریخت ارزشی پیشرفت، برخی از جابه‌جایی‌های محدود ارزشهای منفرد نیز در نواحی ریخته‌های ارزشی مشاهده می‌شود. برای ارزیابی معنای ارزشهای منفردی که در محلهای مورد انتظار در الگوی نظری ظاهر نشده‌اند، در جدول ۴، متداولترین معنای هر ارزش و معنای متداول دیگر (شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵) ارائه شده‌اند؛ به استثنای دو ارزش معتدل و وفادار، سایر ارزشهای جابه‌جا شده، واجد معنای‌ای هستند که در سایر نمونه‌ها و فرهنگهای دیگر مشاهده شده‌اند.

شده‌اند، مشخص شده‌اند. در ریخت جهان شمولی‌نگری دو ارزش نظم اجتماعی و امنیت ملی جای گرفته که در متداولترین محل خویش، یعنی، ریخت ایمنی ظاهر نشده‌اند. ارزش معتدل نیز از ریخت سنت به ریخت جهان شمولی‌نگری منتقل شده است. در ریخت ایمنی، افزون بر ارزشهای ایمنی، ارزشهای دوستی واقعی، عشق کامل و وفاداری از ریخت خیرخواهی، به این ریخت منتقل شده‌اند.

با توجه به این که ترتیب‌بندی ریخت ارزشی پیشرفت با سازمان‌یافتگی الگوی نظری مطابقت نداشت و دو ارزش منفرد این ریخت (با نفوذ و بلندمرتبه‌جو) در محل مورد انتظار ظاهر نشده‌اند، برای سنجش محتوای ریخت پیشرفت همبستگی ارزشهای منفرد، ریخت پیشرفت با ریخته‌های ارزشی محاسبه شدند (جدول ۳).

مقادیر مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهند که ارزشهای موفق، توانا، هوشمند و احترام به خود (به ترتیب با مقادیر $r=0/434$ ، $r=0/359$ ، $r=0/346$ ، $r=0/359$ و $r=0/237$) صراحتاً به ریخت پیشرفت تعلق دارند. ارزش بلند مرتبه‌جو، گرایش کم و بیش مشابهی به ریخته‌های خود رهنموددهی ($r=0/288$) و پیشرفت ($r=0/234$) نشان می‌دهد. ارزش تندرست نیز گرایشی مشابه به

جدول ۴: نواحی جای‌گیری ارزشهای منفرد برای ارزشهای جابه‌جا شده

ارزشهای جابه‌جا شده	ناحیه ظاهر شده در پژوهش	متداولترین ناحیه ظاهر شده	سایر نواحی متداول ظاهر شده
با نفوذ	قدرت	پیشرفت	قدرت
بلندمرتبه‌جو	خود رهنموددهی	پیشرفت	خود رهنموددهی، جهان شمولی‌نگری
نظم اجتماعی	جهان شمولی‌نگری	ایمنی	همنوایی، جهان شمولی‌نگری
امنیت ملی	جهان شمولی‌نگری	ایمنی	جهان شمولی‌نگری
معتدل	جهان شمولی‌نگری	سنت	ایمنی، همنوایی، خیرخواهی
وفادار	ایمنی	خیرخواهی	همنوایی
عشق کامل	ایمنی	خیرخواهی	جهان شمولی‌نگری، ایمنی، خود رهنموددهی
دوستی واقعی	ایمنی	خیرخواهی	جهان شمولی‌نگری، ایمنی، خود رهنموددهی، پیشرفت

واقعی به دو ریخت ارزشی خیرخواهی ($r=0/161$) و $r=0/121$) و ایمنی ($r=0/223$ و $r=0/252$) گرایش دارند. همچنین گرایش ارزشهای نظم‌اجتماعی و امنیت ملی

در جدول ۵، همبستگی‌های معنادار بین ارزشهای منفرد و ریخته‌های ارزشی آورده شده‌اند. مقادیر مندرج در جدول ۵ مبین آن است که ارزشهای عشق کامل و دوستی

جدول ۵: همبستگیهای معنادار* شش ارزش منفرد با ریخته‌های ارزشی (n = ۶۰۰)

ریخته‌های ارزشی									ارزش منفرد
سنت	همنوایی	خیرخواهی	جهان شمولی‌نگری	خودرهنموددهی	تحریک طلبی	لذت	پیشرفت	قدرت	ایمنی
۰/۱۴۶		۰/۱۶۱							۰/۲۲۳
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰							۰/۰۰۰
		۰/۱۲۱		-۰/۱۴۱					۰/۲۵۲
		۰/۰۰۳		۰/۰۰۱					۰/۰۰۰
۰/۱۴۳	۰/۱۷۰	۰/۱۴۵	۰/۳۲۵		-۰/۱۱۶	-۰/۱۲۷		-۰/۱۷۳	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۵	۰/۰۰۲		۰/۰۰۰	نظم اجتماعی
۰/۱۹۸	۰/۱۳۸	۰/۱۳۷	۰/۲۹۰		-۰/۱۱۲	-۰/۱۲۹		-۰/۱۲۲	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰		۰/۰۰۶	۰/۰۰۱		۰/۰۰۳	امنیت ملی
۰/۲۲۸	۰/۱۶۷	۰/۱۱۹	۰/۲۵۳		-۰/۱۶۳	-۰/۱۴۶		-۰/۱۵۴	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	معتدل
۰/۳۳۴	۰/۱۴۷	۰/۲۵۸					-۰/۱۱۳		۰/۲۵۳
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰					۰/۰۰۶		۰/۰۰۰

* سطح معناداری $\alpha \leq ۰/۰۰۶$

گرایش قاطعی به ریخت جهان شمولی‌نگری نشان می‌دهند به سوی ریخته‌های سنت، همنوایی و خیرخواهی و گرایش منفی به سوی ریخته‌های قدرت، لذت‌جویی و تحریک‌طلبی نیز مشاهده می‌شود. بدین ترتیب ارزش‌های نظم اجتماعی و امنیت ملی از متداولترین ریخت در الگوی نظری (ایمنی) دور می‌شوند.

ارزش معتدل نیز به دو ریخت ارزشی جهان شمولی‌نگری (r=۰/۲۵۲) و سنت (r=۰/۲۲۸) گرایش دارد. بدین ترتیب ارزش معتدل به رغم آنکه در ناحیه جهان شمولی‌نگری ظاهر شده، با ناحیه متعارف ظاهر شدن این ارزش همبستگی بالا دارد. ارزش وفادار، همبستگیهای

گرایش قاطعی به ریخت جهان شمولی‌نگری نشان می‌دهند به سوی ریخته‌های سنت، همنوایی و خیرخواهی و گرایش منفی به سوی ریخته‌های قدرت، لذت‌جویی و تحریک‌طلبی نیز مشاهده می‌شود. بدین ترتیب ارزش‌های نظم اجتماعی و امنیت ملی از متداولترین ریخت در الگوی نظری (ایمنی) دور می‌شوند.

ارزش معتدل نیز به دو ریخت ارزشی جهان شمولی‌نگری (r=۰/۲۵۲) و سنت (r=۰/۲۲۸) گرایش دارد. بدین ترتیب ارزش معتدل به رغم آنکه در ناحیه جهان شمولی‌نگری ظاهر شده، با ناحیه متعارف ظاهر شدن این ارزش همبستگی بالا دارد. ارزش وفادار، همبستگیهای

جدول ۶: نتایج همبستگی ارزش عرق ملی با ریخته‌های ارزشی (n = ۶۰۰)

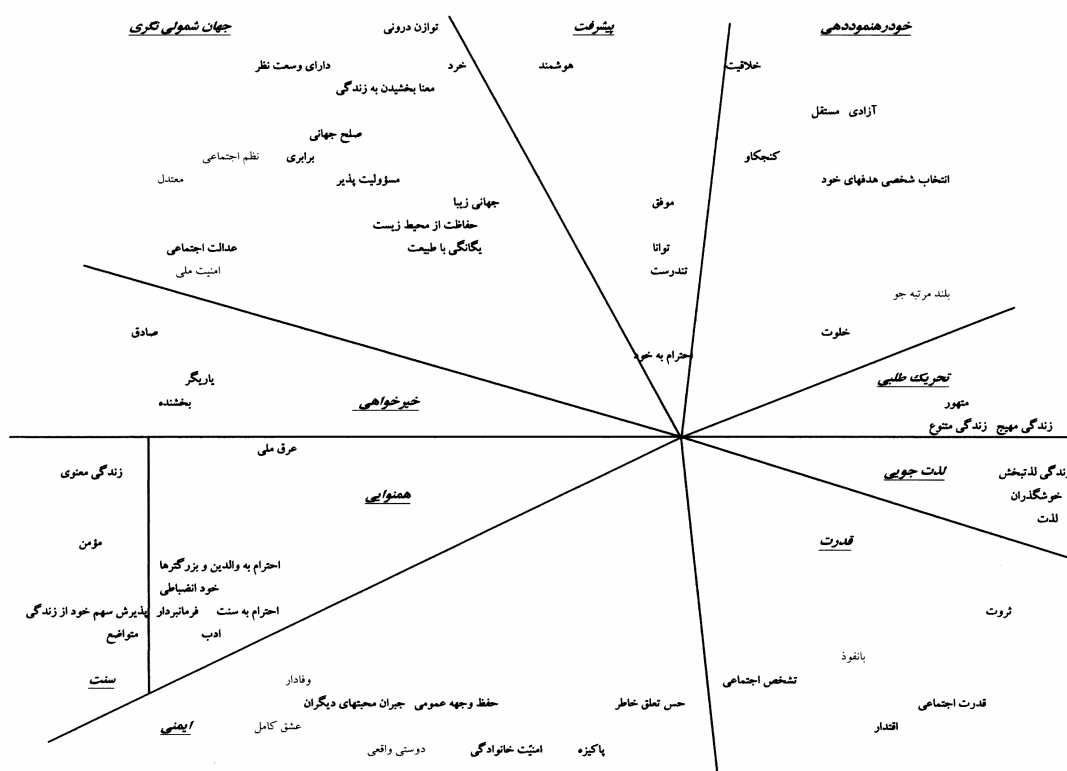
ریخته‌های ارزشی									آماره	ارزش منفرد
سنت	همنوایی	خیرخواهی	جهان شمولی‌نگری	خودرهنموددهی	تحریک‌طلبی	لذت	پیشرفت	قدرت	ایمنی	
۰/۲۲۹	۰/۱۲۰	۰/۱۳۸	۰/۲۰۳	-۰/۰۱۵	-۰/۰۹۸	-۰/۱۶۸	۰/۰۷۰	-۰/۱۳۴	۰/۰۴۵	همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۷۱۰	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	۰/۰۰۱	۰/۲۶۹	عرق ملی
										معناداری

ترتیب‌بندی ریخته‌های ارزشی برای هر دو جنس مطابق الگوی نظری است، با این تفاوت که ریخت ارزشی پیشرفت از ناحیه متداول خود تغییر مکان یافته است. این ترتیب‌بندی ریخته‌ها برای گروه دانشجویان مرد مشابه کل گروه است (شکل ۳)، اما برای دانشجویان زن، ریخت «پیشرفت» در پیشانی ریخت «خود رهنمود - دهی» متمایل به جانب ریخت «تحریک‌طلبی» ظاهر شده است (شکل ۴). برای مطابقت کامل با ترتیب‌بندی ساختار آرمانی، برای گروه مردان سه حرکت و برای گروه زنان دو و نیم حرکت لازم است تا ریخت پیشرفت در ناحیه آرمانی قرار گیرند.

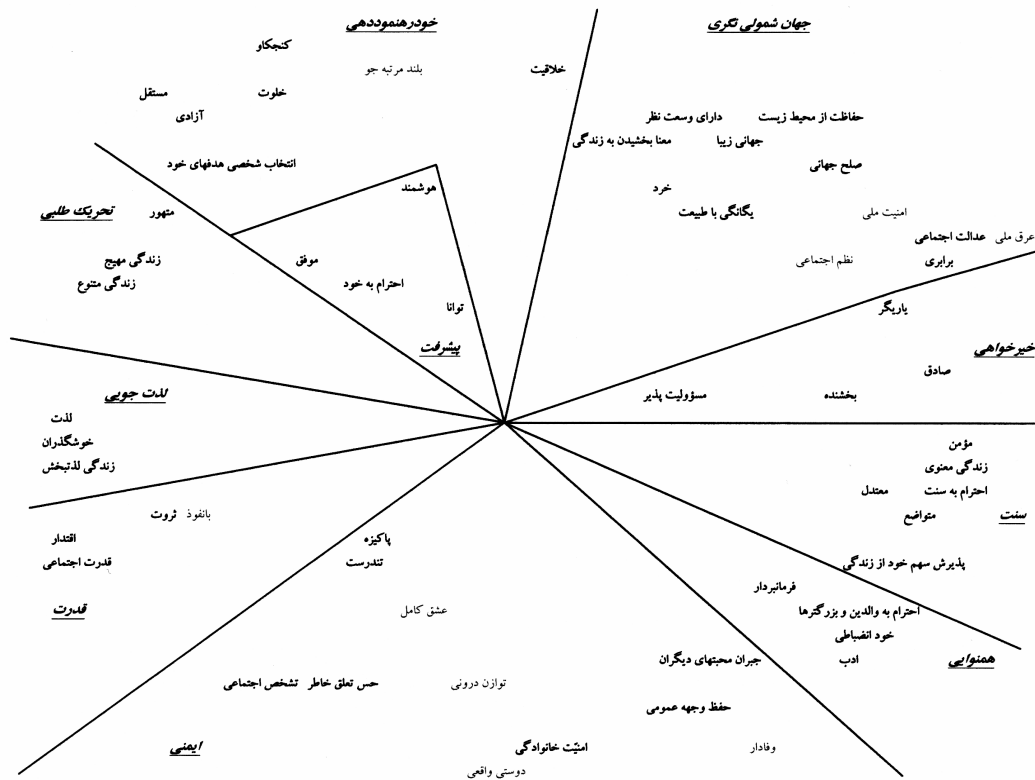
سازمان‌یافتگی ریخته‌های ارزشی در هر دو گروه دانشجویی، روابط تعارضی و توافقی و ابعاد مرتبه بالاتر گسترش خود در برابر تعالی خود و محافظه‌کاری در برابر آمادگی برای تغییر را مطابق سازمان‌یافتگی نظری باز-نمایی می‌کنند؛ مشروط به حرکت ریخت پیشرفت به ناحیه آرمانی در هر دو جنس. بدین ترتیب می‌توان ساختار ارزش‌ها در مردان و زنان دانشجویان را با توجه به تمایز نه‌چندان بارز ناحیه ریخت پیشرفت، مشابه تلقی کرد.

و جهان شمولی‌نگری ($r = 0/203$) دارد. همچنین این ارزش، همبستگی‌های منفی معناداری را نیز با ریخته‌های لذت‌جویی ($r = -0/168$) و قدرت ($r = -0/134$) نشان می‌دهد. بدین ترتیب با توجه به همبستگی‌های به دست آمده، نمی‌توان با صراحت، معنای ارزش عرق ملی را در ارتباط با یکی از ریخته‌های جهان شمولی‌نگری یا سنت مشخص کرد.

برای سنجش یافته‌ها در نمونه‌های مردان و زنان دانشجویی، دو SSA در باب همبستگی‌های بین ۵۸ ارزش (۵۷ ارزش اصلی، و یک ارزش افزوده) زمینه‌یاب به اجرا در آمد (شکل‌های ۳ و ۴). بر مبنای ملاک‌های تصمیم‌گیری جهت تخصیص ارزش‌های منفرد به ریخته‌های ارزشی (شوارتز، ۱۹۹۲)، نواحی از هم متمایز شدند. در SSA ۳۰۰ دانشجوی مرد هر ده ریخت ارزشی به وضوح از یکدیگر متمایزند و آمیختگی مشاهده نمی‌شود. در SSA ۳۰۰ دانشجوی زن نیز هر ده ریخت ارزشی قابل شناسایی است اما ریخت پیشرفت در پیشانی ناحیه ریخت خود رهنموددهی ظاهر شده و ریخت سنت در ناحیه بیرونی ریخت هم‌نوابی ظاهر نشده بلکه ناحیه‌ای متمایز را تشکیل داده است.



شکل ۳: تحلیل کوچکترین فضا از ارزش‌های دانشجویان مرد ایرانی ($n = 300$)



شکل ۴: تحلیل کوچکترین فضا از ارزشهای دانشجویان زن ایرانی (n = ۳۰۰)

موارد تفاوت در محل استقرار هفت ارزش منفرد (توازن درونی، مسؤولیت‌پذیر، معتدل، عرق ملی، احترام به سنت، تندرست و تشخص اجتماعی) قابل مشاهده است. در مقایسه با نتایج کل گروه، ارزشهای مسؤولیت‌پذیر و معتدل در گروه زنان و ارزش تشخص اجتماعی در گروه مردان در متداولترین ریخت ارزشی الگوی نظری قرار گرفته‌اند. ارزش توازن درونی در گروه زنان و احترام به سنت در گروه مردان از ریخت مورد انتظار در الگوی نظری (که در نتایج کل گروه نیز منعکس شده است) فاصله گرفته‌اند. ارزش عرق ملی در مردان دانشجوی در ناحیه همنوایی و ارزش تندرست در زنان دانشجوی در ناحیه ایمنی ظاهر شده‌اند.

برای مقایسه معانی ارزشهای منفردی که محل ظهور آنها بین دو جنس متفاوت بود، نواحی جایگیری هر ارزش در نواحی ظاهر شده برای دو جنس و نواحی متداولی که ارزشهای مذکور در فرهنگهای مختلف ظاهر شده‌اند (شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵) مقایسه شدند. از بین هفت ارزشی که معانی آنها بین دو جنس متفاوت است،

برای مشخص کردن معنای جابه‌جایی ریخت پیشرفت در سازمان‌یافتگی ریختهای ارزشی دو جنس، تمایز روابط ریخت پیشرفت با سایر ریختهای ارزشی در دو گروه بررسی شد. در حالی که همبستگی ریخت پیشرفت با ریخت تحریک‌طلبی در گروه زنان دانشجوی معنادار است ($r=0/201$ ، $\alpha = 0/000$)، همبستگی این دو ریخت در گروه مردان دانشجوی در حد معناداری قرار ندارد. نکته قابل توجه دیگر شدت همبستگی بین ریخت پیشرفت و ریخت خود رهنموددهی است؛ همبستگی این دو ریخت در گروه زنان شدیدتر ($r=0/416$) از گروه مردان ($r=0/273$) است.

بدین ترتیب، تفاوت در محل استقرار ریخت پیشرفت در ساختار ارزشی دو گروه مردان و زنان عمدتاً ناشی از همبستگی بارزتر ریخت پیشرفت با ریخت خود رهنموددهی و همبستگی معنادار آن با ریخت تحریک‌طلبی در گروه زنان است.

برای سنجش محتوای ارزشها، جایگیری ارزشهای منفرد درون ریختها در دو گروه دانشجویی مقایسه شد.

هستند. یافته‌های پژوهش حاضر مبین آن است که معانی ارزشهای بنیادی در حد گسترده‌ای از حیث فرهنگی مشترک هستند.

افزون بر این، محتوا و ساختار ارزشی به دست‌آمده از جوانان دانشجو، براساس ویژگی جنس تعدیل نشد و مردان و زنان دانشجو، محتوا و ساختار ارزشی همسانی را ارائه کردند. بدین ترتیب، اگر چه مردان و زنان دانشجو ممکن است ترجیحات ارزشی متفاوت داشته باشند، معانی ارزشهایی که آنها تجربه می‌کنند، مشابه است. چه، مردان و زنان، معانی ارزشی را در اجتماع زبان‌شناختی یکسانی کسب می‌کنند و مفاهیم ارزشهایی را که برای هدفهای خویش انتخاب می‌کنند، دارای معانی مشترکی هستند. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با نتایج به دست آمده در سطح بین‌المللی (پرنس - گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ استروچ، شوارتز، و فان‌درکلووت، ۲۰۰۲) و نمونه بزرگسالان ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) است. اما انحراف از الگوی مورد انتظار نیز مشاهده شد.

انحراف نخست، مربوط به ظهور ریخت پیشرفت در محلی نامنتظره است. ارزشهای پیشرفت به طور معمول در نقشه‌های SSA در مجاورت ارزشهای قدرت و لذت ظاهر می‌شوند. در حالی که در نمونه دانشجویان ایرانی، ارزشهای پیشرفت در مجاورت ارزشهای خود رهنموددهی و جهان‌شمولی‌نگری ظاهر شده‌اند. این انحرافها تصادفی نیستند. همبستگیهای بین ریخت پیشرفت و ریختهای ارزشی دیگر، تفاوت‌های واقعی در معنای ارزشهای پیشرفت را نشان می‌دهند. این تفاوت واقعی که خصیصه دانشجویان ایرانی مورد پژوهش را منعکس می‌کند، بیشتر در نمونه‌ای از بزرگسالان ایرانی نیز مشاهده شده است (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱). این در حالی است که در هیچیک از ۲۰۰ نمونه در ۶۳ ملت مورد بررسی با SVS، چنین جابه‌جایی‌ای دیده نشده است.*

این تفاوت متضمن این است که یک ساختار کمی تغییر یافته، شاخص فرهنگ دانشجویان ایرانی را مشخص می‌کند. در این ساختار، ارزشهای پیشرفت و خود -

ارزشهایی که عمده تفاوت معنایی را بین دو جنس برجسته می‌کنند، ارزشهای معتدل (که در گروه مردان در ناحیه‌ای نامتعارف ظاهر شده) و عرق ملی هستند. همبستگیهای معنادار این دو ارزش با ریختهای ارزشی در گروههای مردان و زنان حاکی از آن است که تفاوت دو جنس در ارزش معتدل مبتنی بر گرایش عمده ارزش معتدل به جهان‌شمولی‌نگری در گروه مردان ($r = 0/306$) و همبستگی ارزش عرق ملی با ریختهای همناوی و ایمنی در مردان و همبستگی منفی با ریختهای قدرت و تحریک‌طلبی در زنان است. بدین ترتیب نحوه جایگیری ارزشهای منفرد در ریختهای ارزشی برای هر دو جنس در سطح گسترده‌ای با محتوای ریختهای ارزشی در الگوی نظری مطابقت دارند.

بحث و تفسیر

شوارتز در سلسله پژوهشهای خود (۱۹۹۲؛ شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵؛ شوارتز و همکاران، ۲۰۰۱) نظریه ارزشها و جنبه جهان‌شمول محتوای ارزشها را گسترش داده است. پژوهشهایی که در باب ۲۰۰ نمونه از ۶۳ ملت به انجام رسیده‌اند، جهان‌شمول بودن تقریبی این ریختهای ارزشی و ساختار آنها را تأیید کرده‌اند.

تحلیل‌های چند بُعدی روابط بین ارزشهای منفرد در نمونه ایرانی، تمایز یافتگی ده ریخت ارزشی، روابط پویایی (روابط توافقی و تعارضی) بین آنها و آرایش دو قطبی چهار ریخت ارزشی مرتبه بالاتر را در سطح وسیعی تأیید کردند. بعلاوه، تحلیلها نشان دادند که از مجموع ۵۷ ارزش منفرد، ۴۹ ارزش واجد متداولترین معنا در سایر فرهنگها هستند. به بیان دیگر، یافته‌های این پژوهش تأییدی در باب ساختار روانشناختی جهان‌شمول ارزشهای انسانی به دست می‌دهد. ارزشها به منزله هدفهای هشیار، معرف مقتضیات جهان‌شمول (نیازهای زیست-شناختی ارگانیزم، ضرورتهای تعامل اجتماعی، و الزامهای گروه) موجود انسانی هستند که همه افراد و جوامع (به رغم گونه‌گونیهیهای اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی، زبان‌شناختی، و جغرافیایی)، ملزم به پاسخگویی بدانها

باشد، اگر این ارزشها با ارزشهای قدرت همخوانیهای معمول را نشان نمی‌دادند. بنابراین نمی‌توان جنبه‌های گسترش‌پذیری خود، میل به برتری‌جویی و کسب حرمت بر مبنای منابع بیرونی را در معنای دریافتی از ارزشهای پیشرفت در نمونه دانشجویی نادیده انگاشت.

بدین ترتیب، ارزشهای پیشرفت برای جوانان پژوهش حاضر (و بزرگسالان؛ دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱)، به منزله اهرمی برای ایجاد تغییرات در وضع موجود و خروج از تکالیف سنتی و ابزاری برای دسترسی توأمان به هدفهای دنیوی (خودگسترش‌دهی) و آمال معنوی (خود سامان‌دهی) به حساب می‌آید.

اما، کدام آرایش اجتماعی یا فعالیتهای اجتماعی‌شدن منحصر به فرهنگ ایرانی ممکن است پیامدهای معمول برای ارزشهای پیشرفت را تغییر داده باشد و موجب ایجاد ساختار متفاوتی از روابط متقابل بین ریخت پیشرفت با سایر ریختها و معنای متفاوت برای آن شده باشد؟ مفهوم پیشرفت در آرمودنیهای این پژوهش را تأثیرات شناخته شده اجتماعی - تاریخی توجیه می‌کند. پس زمینه‌ای دویست ساله از ترقی‌خواهی ایرانیان، تحت تأثیر آشنایی با فرهنگ جدید غرب و از خلال اندیشه روشن‌فکران، فراز و نشیبهایی را از سیر پیکار دو نیروی متعارض اصلاح‌طلبی و سنت‌خواهی ترسیم می‌کند، که پیشرفت و توسعه از موضوعهای مناقشه برانگیز بین نیروهای درگیر بوده است.

«... جریانی که پرورده تاریخ متحول بود، جوهر آن تغییر بود در جهت تعالی، و بازنمای افکار طبقه اندیشمند زمان بود.»

(آدمیت، ۱۳۵۱)

بدین ترتیب، فکر پیشرفت، تکلیفهای شخصی برجا مانده‌ای را برای هر ایرانی مجسم می‌کند که با حل معادله پیشرفت توأمان مادی و معنوی ادا می‌شود؛ معادله‌ای دیرپای و ناگشوده

انحراف دیگر، جایگیری ارزشهای منفرد «نظم اجتماعی و امنیت ملی» در ریخت «جهان شمولی‌نگری» است. ارزشهای نظم اجتماعی و امنیت ملی به طور معمول در ریخت «ایمنی» و در تضاد با ارزشهای جهان شمولی - نگرانی قرار می‌گیرند. در نمونه بزرگسالان ایرانی، امنیت

رهنموددهی به گونه قویتر از آنچه متداول است، در توافق هستند، ارزشهای پیشرفت با ارزشهای لذت‌جویی و سنت به گونه‌ای نامعمول، نامرتب و متعارض هستند و ارزشهای پیشرفت با ارزشهای جهان شمولی‌نگری به گونه‌ای نامتعارف، متوافق هستند.

آنچه دو ریخت ارزشی پیشرفت و خود رهنموددهی را بهم پیوند می‌دهد، تأکید بر «تغییر دادن وضع موجود» است. همچنین، پیوند پیشرفت با خود رهنموددهی می‌تواند در معنای پیشرفت، به احراز شایستگی با اتکای به منابعی درونی مانند «احساس صلاحیت شخصی»، برجستگی بیشتری ببخشد. تفسیر و درک همخوانیها و ناهمخوانیها بین ریخت پیشرفت و ریختهای دیگر، در امتداد تفسیر روابط ریختهای پیشرفت و خود رهنموددهی امکان‌پذیر است. ناهمخوانی بین پیشرفت و ارزشهای سنتی، جهت‌گیری «تغییر وضع موجود» را با نفی ارزشهای جهان شمولی‌نگری (مرتبط با ارزشهایی مانند، توازن درونی، معنا بخشیدن به زندگی، و خرد)، بیانگر تکیه بر «داوری شخصی خویش» به منزله اصل تعیین‌کننده پیشرفت‌نگری است. سرانجام اینکه، فقدان توافق معمول بین ارزشهای پیشرفت و لذت‌جویی می‌تواند نشان‌دهنده محدودیت در مشروعیت بخشیدن به خواسته‌های خود-گرا در پیگیری هدفهای ارزشهای پیشرفت باشد که به رغم ابراز عدم تعهد به تکالیف سنتی، از الزامهای انکار - خود رها نشده‌اند.

پس، ارزشهای پیشرفت در نمونه جوانان ایرانی معنای متفاوتی یافته است. پیشرفت برای جوان ایرانی به منزله موفقیت شخصی از خلال ابراز صلاحیتهایی است که عمدتاً براساس داوری شخصی (معیارهای درونی: خود تعیین‌کنندگی) مورد تأیید قرار می‌گیرند، و معطوف بر ایجاد تغییر در وضع موجود (رد تکالیف و تعهدات سنتی) و خود سامان‌یابی می‌باشند و الزاماً بر پیامدهای خودگرا متمرکز نیستند.

این تعریف که مشابهتهایی با نیاز به پیشرفت مک‌کلند (مک‌کلند، اتکینسون، کلاک، و لاول، ۱۹۵۳) دارد، می‌توانست بیانگر ارزشهای پیشرفت دانشجویان ایرانی

ملی در ریخت «سنت» و نظم اجتماعی در ریخت «خیر-خواهی» ظاهر شدند (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱). یافته‌های شوارتز (شوارتز، ۱۹۹۲؛ باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) در نمونه‌هایی از کشورهای اروپای شرقی نیز حاکی از انحراف از الگوی نظری و جابه‌جایی ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی است.

ارزشهای ایمنی، هدف محافظت از خود از عدم قطعیت را بر اساس کوشش در حفظ وضع موجود و حفظ امنیت و ثبات در جامعه بزرگتر، در روابط با دیگران و در محیط مادی منعکس می‌کنند. در حالی که، ارزشهای جهان شمولی‌نگری، هدف زندگی در جهانی را که در آن افراد واجد فرهنگها و سبکهای زندگی متفاوت، مورد پذیرش قرار می‌گیرند، و قرار گرفتن در معرض شناخت و تصورات جدید مورد استقبال و تأیید قرار داده می‌شود، نمایان می‌سازند. پی‌گیری موفقیت‌آمیز ارزشهای جهان شمولی‌نگری احتمالاً در پی ایجاد افزایش در عدم قطعیتی است که شخص با آن روبرو خواهد شد و ممکن است وضع موجود را کاملاً از بین ببرد (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶).

پس چگونه است که دو ارزش ایمنی (امنیت ملی و نظم اجتماعی) و سه ارزش جهان‌شمولی‌نگری (عدالت اجتماعی، برابری و صلح جهانی) در نمونه مورد بررسی (و نمونه‌های اروپای شرقی) در مجاورت نزدیک قرار گرفته‌اند؟

شوارتز (باردی و شوارتز، ۱۹۹۶) این پنج ارزش را با ماهیت نظام سیاسی و اجتماعی مرتبط می‌داند و آنها را با عنوان ارزشهای اجتماعی - سیاسی مورد اشاره قرار می‌دهد. پس برای تبیین همجواری این ارزشها، باید به ایدئولوژی و جوّ سیاسی دهه‌های اخیر کشور ایران (و مقایسه آن با زمینه‌های ایدئولوژیکی در نمونه‌های اروپای شرقی) رجوع کرد.

نتایج در نمونه بزرگسالان ایرانی (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱) مبین ماهیت ایدئولوژیکی ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی است. در نمونه بزرگسالان ایرانی، معانی امنیت ملی و نظم اجتماعی با هدف حفظ ثبات سیاسی و نظم موجود از خلال دفاع از ارزشهای ایدئولوژیکی (شامل

ارزشهای سنتی، مانند ایمان و احترام به سنت و ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری، مانند صلح جهانی، عدالت و برابری)، همخوان شده‌اند. تمایز نمونه جوانان نسبت به نمونه بزرگسالان در معنادگی به ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی، در همخوانی بیشتر این دو ارزش با ارزشهای جهان‌شمولی‌نگری و همخوانی کمتر آنها با ارزشهای سنتی است.

همسازی با نظام سیاسی و اجتماعی شدن ایدئولوژیکی، معانی ارزشهای امنیت ملی و نظم اجتماعی را زیر تأثیر قرار داده‌اند. این تأثیرات در نمونه جوانان به اقتضای شرایط اقتصادی که جوانان در آن پرورش یافته‌اند، همخوانی بیشتری بین ارزشهای نامبرده با ارزشهای جهان‌شمول مانند عدالت و برابری ایجاد کرده است. مقایسه نتایج نمونه‌های این پژوهش با نمونه‌های اروپای شرقی بیانگر آن است که در ملتهایی که دستخوش انقلابهای مردمی می‌شوند، تغییرات مشابهی در معانی برخی از ارزشها روی می‌دهند.

جابه‌جایی دیگر، مربوط به ارزش منفرد «معتدل» است. ارزش معتدل به طور معمول در ریخت ارزشی «سنت» ظاهر می‌شود. اما، در پژوهش حاضر به گونه‌ای نامتعارف در مجاورت ارزشهای «جهان‌شمولی‌نگری» (دارای وسعت‌نظر، توازن درونی، خرد) ظاهر شده است. نقشه‌های SSA گروههای مردان و زنان نشان می‌دهند که جابه‌جایی ارزش معتدل فقط در گروه مردان ایجاد شده است و محل ظهور این ارزش در گروه زنان مشابه الگوی نظری است.

همچنانکه بیان شد در فرهنگهای مختلف، ارزش معتدل به منزله یک ارزش سنتی بازشناسی می‌شود. ارزشهای سنتی ارزشهایی محافظه‌کارانه‌اند که با پای‌بندی به آداب و رسوم و عقایدی که فرهنگ یا مذهب بر فرد تکلیف می‌کنند، مشخص می‌شوند. این ارزشها بر حفظ وضع موجود تأکید و اعمال یا گرایشهایی را که می‌توانند انسجام گروه یا نظم سنتی را مخدوش کنند، تحدید می‌نمایند. پس چگونه ارزش معتدل در ریختی ظاهر شده که قرار گرفتن در معرض شناخت و تصورات جدید را مورد تأیید قرار می‌دهد؟ و چرا این جابه‌جایی در گروه

که از معنای معتدل در مردان بزرگسال آورده شد (وارستگی) از حیث رجوع به منابع بیرونی و معیارهای سنتی متفاوت است و تناسب بیشتری با معنای «تحدید و پرهیز» دارد. هر چند این معنا با جنبهٔ محافظه‌کارانه ارزش معتدل مطابقت دارد، اما تعارض این ارزش با ارزشهای قدرت موجب شده است که این ارزش، نه در ریخت سنت، که در ریخت جهان شمولی‌نگری ظاهر شود. ظهور این ارزش در ناحیه‌ای که ارزشهای سیاسی - اجتماعی (امنیت ملی، نظم اجتماعی، برابری، صلح جهانی و عدالت اجتماعی) در آن اجتماع کرده‌اند، ماهیت ایدئولوژیکی ارزش معتدل را بازنمایی می‌کند و مفهومی رادیکال و غیرسنتی بدان می‌بخشد. در گروه زنان، همبستگی ارزش معتدل با ارزشهای همنوایی (مانند خود انضباطی) - که در گروه مردان مشاهده نمی‌شود - ماهیت محافظه‌کارانهٔ این ارزش را در زنان آشکار می‌سازد.

انتظار می‌رفت که جوانان ایرانی، «عرق ملی» (ارزش افزوده به فهرست ارزشها) را به منزلهٔ بالیدن به ملیت خود در زمرهٔ ارزشهای ایمنی، هم‌ارز ارزشی مانند امنیت ملی معنا کنند. دانشجویان عرق ملی را هم ارز امنیت ملی معنا کردند، اما این ارزش را نیز مانند ارزش امنیت ملی در زمرهٔ ارزشهای ایمنی معنا نکردند.

همخوانیهای به دست آمده بین ارزش عرق ملی با ریخته‌های ارزشی، مشابه همخوانی ارزشهای امنیت ملی، نظم اجتماعی و معتدل با ریخته‌های ارزشی و محل جایگیری آن مشابه ارزشهای نامبرده در ریخت جهان شمولی‌نگری است. وجوه اشتراک به‌دست آمده بین ارزش عرق ملی با ارزشهای امنیت ملی، نظم اجتماعی و معتدل، ناظر بر این معناست که **ارزش عرق ملی برای جوانان ایرانی ماهیتی ایدئولوژیکی دارد و با ارزش «عرق دینی» همخوان شده است.**

از تمایز همخوانیهای به‌دست آمده بین ارزش عرق ملی با ریخته‌های ارزشی در گروههای مردان و زنان چنین استنباط می‌شود که مردان در تعبیر ارزش عرق ملی کمتر از زنان تحت تأثیر آموزه‌های ایدئولوژیکی قرار گرفته‌اند (همبستگی مثبت با ریخته‌های ایمنی و همنوایی و فقدان همبستگی منفی با ریخت قدرت؛ در گروه مردان) و

مردان اتفاق افتاده است و نه در گروه زنان؟ در گروه بزرگسالان نیز ارزش معتدل در محل مورد انتظار ظاهر نشده است (دلخمش و احمدی، ۱۳۸۱). ارزش معتدل برای مردان در ریخت «خود رهنموددهی» و برای زنان در ریخت «جهان شمولی‌نگری» جای گرفته است. تفسیر نتایج به دست آمده در پژوهش مذکور مبتنی بر معنای شاخص فرهنگ ایرانی از ارزش معتدل است. برای بزرگسالان ایرانی، «اعتدال» به منزلهٔ ابزاری برای کمال‌یافتگی نفسانی (وارستگی) و فضیلتی اخلاقی تعبیر می‌شود. در حالی که این معنا برای مردان از مبانی اخلاق سنتی فاصله گرفته، برای زنان جنبه‌های محافظه‌کارانه خود را حفظ کرده است.

مفهوم معتدل در نزد بزرگسالان ایرانی تحت تأثیر فرهنگ عرفانی که اساس آموزه‌های اخلاق و تربیتی آن بر مجاهدهٔ با نفس و رعایت اعتدال نهاده شده، شکل گرفته است. ته نشست این آموزه‌های عرفانی در فرهنگ عامه (ایرانی)، سهم قابل توجهی در معنابخشی به ارزشهای اخلاقی ایفا می‌کند.

اما یافته‌ها در پژوهش حاضر نشان می‌دهند که جوانان دانشجو ارزش معتدل را مانند بزرگسالان معنا نمی‌کنند. همخوانی ارزش معتدل با ارزشهای جهان شمولی‌نگری (دارای وسعت نظر، توازن درونی، خرد و برابری) و ارزشهای سنت (مؤمن)، همبستگی مثبت آن با نظم اجتماعی و همبستگی منفی آن با ثروت، در گروه مردان، از دو جهت با همخوانیهای ارزش معتدل در نمونهٔ مردان بزرگسال متفاوت است. اولین تمایز اینکه، ارزش معتدل در نمونهٔ بزرگسالان با ارزشهای خود رهنموددهی، و در نمونهٔ جوانان دانشجو با ارزشهای سنتی همخوان است. دومین تفاوت اینکه، ارزش معتدل در نمونهٔ جوانان با ارزش ثروت همبستگی منفی معنادار دارد، در حالی که در نمونهٔ بزرگسالان چنین ارتباطی برقرار نیست. بدین ترتیب، معنای ارزش معتدل در نمونهٔ پژوهش حاضر، همخوانی بیشتری با جنبه‌های انگیزشی‌ای دارند که هدف آنها، دوری از منابع بیرونی مولد، وسوسه و عدم تعادل (ثروت) و نزدیکی به منابع بیرونی موجد ثبات و تعادل (برابری و نظم اجتماعی) است. این معنا، با تعبیری

منابع

- آدمیت، ف. (۱۳۵۱). *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- دلخمش، م. و احمدی، م. (۱۳۸۱). *شناسایی محتوا و ساختار ارزشها و گستره عوامل همبسته با ارزشها در نظام اداری کشور*. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- دلخمش، م. و احمدی، م. (۱۳۸۳). *شناسایی محتوا و ساختار ارزشهای انسانی در جمعیت نوجوانان ایرانی*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- Bardi, A. & Schwartz, S.H. (1996). Relations among sociopolitical values in eastern Europe. *Political Psychology*, 17, 525-549.
- Boehnke, K., Stromberg, C., Regmi, N. P., Richmond, B. O., & Chandray, S. (1998). Reflecting the world "out there": A cross-cultural perspective on worries, values and well-being. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 17, 227-247. Abstract-PsycINFO.
- Boehnke, K., & Schwartz, S. H. (1997). Fear of war: Relations to values, gender, and mental health. *Peace and Conflict : Journal of Peace Psychology*, 3, 149-166.
- Burgess, S. N., Schwartz, S. H., & Blackwell, R. D. (1994). Do values share universal contents and structure? *South African Journal of Psychology*, 24, 1-12.
- Erikson, E. H. (1963). Youth: fidelity and diversity. In E.H. Erikson (Ed.), *Youth : Change and challenge* (pp. 1-23). USA: Basic Books.
- McClelland, D. C., Atkinson, J. W., Clark, R. A., & Lowell, E.L. (1953). *The achievement motive*. NY: Appleton-Century-Crofts.
- Menezes, I., & Campos, B. P. (1997). The process of value-meaning construction. *European Journal of Social Psychology*, 27, 55-73.

تعبیری متداولتر از این ارزش به دست داده‌اند (محل ظهور ارزش عرق ملی در گروه مردان، ریخت همنوایی، در مجاورت ریخت ایمنی است). مردان دانشجو به دلیل امکان حضور گسترده تر جنس مذکر در صحنه‌های ملی و تسهیل همانندسازی با الگوهای افتخارآفرین در عرصه ملی، ارزش عرق ملی را به گونه متداولتری معنا کرده‌اند.

استنباط کلی از علت انحرافها و جابه‌جایی ارزشها در نمونه دانشجویان ایرانی نسبت به معانی دریافت شده از ارزشها در سایر فرهنگها را می‌توان چنین خلاصه کرد: جو سیاسی در خلال دهه‌های اخیر در ایران، معانی برخی از ارزشها را زیر تأثیر قرار داده است. همسازی با نظام سیاسی و اجتماعی شدن ایدئولوژیکی، معانی ارزشهای امنیت ملی، نظم اجتماعی، اعتدال و عرق ملی را با ارزشهای ایمان، عدالت و برابری همخوان و با ارزش ثروت ناهمخوان کرده است. امنیت ملی و نظم اجتماعی، به منزله حفظ ثبات سیاسی از خلال دفاع از ارزشهای ایدئولوژیک، عرق ملی، همخوان با عرق دینی و اعتدال به منزله غلبه بر وسوسه از خلال نفی و حذف منابع تحریک تلقی شده‌اند. شدت تأثیرپذیری از آموزه‌های ایدئولوژیکی در ارزشهای معتدل برای زنان و عرق ملی برای مردان محدودتر بوده است. این ایدئولوژی که براساس دو محور «شریعت» و «عدالت» نهاده شده، در برابر آمیزه‌ای از دو ایده «آزادی» و «پیشرفت» واقع شده است. ارزشهای پیشرفت زیر تأثیر اندیشه‌هایی که در متن مجادله‌های دو نیروی متعارض اصلاح‌طلبی و سنت‌خواهی پرورنده شده‌اند، با ارزشهای خود رهنموددهی همخوان و با ارزشهای سنت ناهمخوان گشته‌اند. پیشرفت، به منزله اهرمی برای ایجاد تغییرات در وضع موجود و خروج از تکالیف سنتی و ابزاری برای دسترسی توأمان به هدفهای دنیوی و آمال معنوی به حساب می‌آید.

پژوهش حاضر، یافته‌های بحث‌انگیزی را در پی داشت که شایسته پژوهشهای تکمیلی در باب انگیزش پیشرفت در سایر قلمروهای علوم انسانی است تا بتوان صحت تبیینهای ارائه شده را آزمود.

- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (2001).** Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 268-290.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987a).** Toward a universal psychological structure of human values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 550-562.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987b).** The structure and importance of personal values in six societies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 550-562.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1990).** Toward a theory of the universal content and structure of values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 878-891.
- Schwartz, S. H., & Huismans, S. (1995).** Value priorities and religiosity in four western religions. *Social Psychology Quarterly*, 58, 88-107.
- Schwartz, S. H., Melech, C., Lehmann, A., Burgess, S., Harris, M., & Owens, V. (2001).** Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 519-542.
- Schwartz, S. H., & Ros, M. (1995).** Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Schwartz, S. H., & Sagie, G. (2000).** Value consensus and importance: A cross-national study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 31, 465-497.
- Schwartz, S. H., & Sagiv, L. (1995).** Identifying culture-specifics in the content and structure of values. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26, 92-116.
- Schwartz, S. H., Verkasalo, M., Antonovsky, A., & Sagiv, L. (1997).** Value priorities and social desirability: *British Journal of Social Psychology*, 36, 3-18.
- Prince-Gibson, E., & Schwartz, S. H. (1998).** Value priorities and gender. *Social Psychology Quarterly*, 61, 49-67.
- Roccas, S., Sagiv, L., Schwartz, S. H., & Knafo, A. (2002).** The big five personality factors and personal values. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 789-801.
- Rokeach, M. (1973).** *The nature of human values*. NY: Free Press.
- Ros, M., Schwartz, S. H., & Surkiss, S. (1999).** Basic individual values, work values, and the meaning of work. *Applied Psychology: An International Journal*, 48, 49-71.
- Sagiv, L., & Schwartz, S. H. (2000).** Value priorities and subjective well-being: Direct relations and congruity effects. *European Journal of Social Psychology*, 30, 177-198.
- Schmitt, M. J., Schwartz, S. H., Steyer, R., & Schmitt, T. (1993).** Measurement models for the Schwartz Values Inventory. *European Journal of Psychological Assessment*, 9, 107-121.
- Schwartz, S. H. (1992).** Universals in the content and structure of values. In M. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, (Vol. 25, pp. 1-65). NY: Academic Press.
- Schwartz, S. H. (1994).** Are there universal aspects in the structure and contents of human values? *Journal of Social Issues*, 50, 19-45.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (1997).** Influences of adaptation to communist rule on value priorities in Eastern Europe. *Political Psychology*, 18, 385-410.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (2000).** Moral dialogue across cultures: An empirical perspective. In E.W. Lehman (Ed.), *An anthology of communication thought*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield. Abstract-PsycINFO.

Struch, N., Schwartz, S. H., & van-der-Kloot, W. A.

(2002). Meaning of basic values for women and men: A cross-cultural analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 16-28.

Tilker, H. A. (1975). *Developmental psychology today*. NY: CRM/Random House.

Winnicott, D. W. (1965). The maturational processes and the facilitating environment. London: Hogarth.

Smith, P. B., Peterson, M. F., & Schwartz, S. H.

(2002). Cultural values, sources of guidance, and their relevance to managerial behavior: A 47-nation study. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 33, 188-208.

Steinberg, L. (1999). *Adolescence*. USA: McGraw-Hill College.